برخاسته، نزد پدر خود می‌روم و بدو خواهم گفت، ای پدر به آسمان و به تو گناه کرده‌ام. لوقا ۱۵: ۱۸

کار خداوند در پروسه نجات

خداوند ما را برای شادی و لذت خود آفرید. او ما را خلق کرد تا ما نیز همانند او بتوانیم از نزدیکی و رابطه مستقیم با خداوند، معاشرت با او و شناخت ذات الهی و رازآلود او لذت ببریم. او می‌خواست که ما او را ببینیم و همراه با او لذت ببریم و لحظه لحظه زندگی‌مان را با شادی و لبخند او ترسیم کنیم. ولی ما آنگونه که ***جان میلتون،*** شورش شیطان و فرشتگان همراهش را توصیف می‌کند، به گناه «شورش شنیع» آلوده شدیم و رابطه ما با خداوند شکسته شد. ما از اطاعت او یا دوست داشتن او دست کشیدیم و با محکومیت و ترس، تا جایی که ممکن بود از حضور او گریختیم.

تمام کار خداوند برای نجات ما و این رابطهٔ از دست رفته، بی‌اثر کردن تأثیر غم‌انگیز این شورش شنیع و بازگرداندن دوباره ما به رابطه ابدی با خودش بوده است. انجام این کار مستلزم این بود که گناهان ما به شکلی مؤثر و قابل قبول خنثی شوند تا مصالحه کامل برقرار شود و مسیر بازگشت مجدد ما به آن جمع گرم و صمیمی با خداوند و زندگی در حضور او به همان شکل سابق گشوده شود. او برای این منظور، ابتدا در درون ما عمل می‌کند تا ما را برای بازگشتن تحریک کند. این زمانی اتفاق افتاده است که قلب مضطرب و درمانده ما عمیقاً مشتاق حضور خداوند شده است و ما با خودمان گفتیم، «من برمی‌خیزم و نزد پدر خود می‌روم». این اولین قدمی است که ما در این مسیر پر فراز و نشیب و غیرقابل پیش‌بینی برمی‌داریم. سفری که هر لحظه‌اش سرشار از قافل‌گیری‌های زیبا و چالش‌های شیرین است. ...و همانطور که شنیده‌ایم، «طولانی‌ترین سفرها نیز با اولین قدم آغاز می‌شوند».

## ای پدر آسمانی، من افراد زیادی را می‌شناسم که هنوز این اولین قدم را برنداشته‌اند. کمکم کن که امروز ابزاری نیکو در دستان روح‌القدس باشم تا بتوانم یک نفر را به سمت تو هدایت کنم. آمین

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*